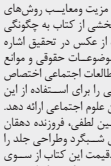

خبر

درخشش دو نمایش از فارس در جشنواره تئاتر کوتاه ارسباران

۱۵
پانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر کوتاه ارسباران

دو نمایش از استان فارس به مرحله نهایی پانزدهمین دوره جشنواره سراسری تئاتر کوتاه ارسباران راه یافتند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس؛ عباس خلیفه‌لو، دبیر پانزدهمین دوره جشنواره سراسری تئاتر کوتاه ارسباران، آثار راه یافته به مرحله نهایی بخش صحنه‌ایی این دوره از جشنواره را اعلام کرد.خلیفه‌لو، ۸ نمایش را از ۷۶ نمایش رسیده به جشنواره، برگزیده داوران برای بخش پایانی جشنواره دانست.در این ۸ نمایش، نام دو نمایش« وقتی هفت سالم بود کشته شدم»، به کارگردانی ندا محمدیان از گروه هنری آرتاتئاتر و «بی‌خوابی» به کارگردانی شیما پورسهم‌الدین از گروه هنری پرسیا از استان فارس نیز دیده می‌شود.

گفتنی است، هیات بازبین این دوره از جشنواره، بر دوش عباس خلیفه‌لو، محمد یوسفی‌زاده و حسن عظیمی بود. این جشنواره از هفدهم آبان ماه به مدت ۴ روز در منطقه ارسباران به مرکزیت شهرستان اهر برگزار خواهد شد.

چهره

کامبیز درم‌بخش به روایت عمران صلاحی

پایانِ هنرمندی که همیشه می‌کشید

ایسنا:عمران صلاحی کامبیز درم‌بخش را یک کاریکاتوریست تمام‌وقت توصیف می‌کرد و می‌گفت که آثار مطبوعاتی وی ارزش تاریخی دارند و دوره‌ای از تاریخ ایران را می‌شود در آن‌ها پیدا کرد. عمران صلاحی، شاعر و طنزپرداز فقید در مردادماه ۱۳۸۵، حدود دو ماه پیش از کوچ همیشگی‌اش به عنوان آخرین سخنران در مراسم «شب کامبیز درم‌بخش» که توسط مجله «بخارا» برگزار شد، از دوستی ۵۰ساله خود با این هنرمند که دیروز از دنیا رفت گفت. صلاحی در بخشی از سخنان خود در این برنامه، با جملاتی آمیخته به طنز اظهار کرد: من هر وقت سراغ کامبیزو می‌گیرم، می‌گن که داره می‌کشه... البته کاریکاتور! بعد واقعا یه دنیایی ما داریم، همه در حال کشیدنن... یکی سیگار می‌کشه، یکی هروئین می‌کشه، یکی تریاک می‌کشه، یکی عرق می‌کشه... البته عرق نعناع! بعد تو این کشاکش بهترین چیزی که می‌شه کشید، کاریکاتور هست و واقعا کامبیز عزیز، من هر دفعه دیدمش مشغول این عمل نیک بوده. فکر کنم هنوزم که این‌جا نشسته تو دلش داره کاریکاتور می‌کشه؛ یعنی یه کاریکاتوریست تمام‌وقته. از صبح تا شب، از شب تا صبح... مشغول کشیدن کاریکاتوره. من کمتر هنرمندی رو دیدم، این‌طور تمام‌وقت عاشقانه به کار خودش بپردازه. واقعا درود می‌گم و افتخار می‌کنم. البته ۵۰ سال سابقه هنری داره، ۴۰ سال‌شو ما با هم رفیق بودیم، از روزنامه توفیق که من مثل یه شاگرد همیشه ازش یاد گرفتم. البته من استعداد کاریکاتور نداشتم، ولی در زمینه‌های دیگه. در فکر کردن سوژه بی‌نظیره کامبیز. در کشیدن خط. من این‌قدر بهش نزدیکم که نمی‌تونم تعریف‌شو بکنم.این طنزپرداز همچنین در توصیفی دیگر از درم‌بخش بیان کرد: من اولین کارای کامبیزو تو مجله «سپیدوسیاه» دیدم. اون موقع مثلا ۱۳، ۱۴ سالش بود. اون‌جا دو صفحه کاریکاتورهای پیوسته می‌کشید؛ کمیک استریپ می‌گن اصطلاحا. که خیلی من دوست داشتم. بعد از معدود هنرمندانی‌ست کامبیز که هم مخاطب عام داره و هم مخاطب خاص و این یه موفقیت بزرگیه. خیلی کم پیش میاد که یه هنرمندی این دو مخاطبو هر دوشو حفظ بکنه. حتی کارای مطبوعاتی کامبیز ارزش تاریخی داره و یک دوره از تاریخ این مملکتو می‌شه تو اونا پیدا کرد و مخاطب عام هم که داره. عمران صلاحی سخنانش درخصوص کامبیز درم‌بخش را این‌گونه به پایان برد: در ایران ما از کامبیز چند تا کتاب داریم؟ فقط یه «بدون شرح». و این خیلی بده!

پیام تسلیت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس در پی درگذشت استاد کامبیز درم‌بخش

کامبیز درم‌بخش، این هنرمند کاریکاتوریست بزرگ و برجسته شیرازی سال‌ها سخنانش را به جای نوشتن کتاب‌ها، کوتاه و زیبا بر روی کاغذ می‌کشید؛ هنری که زبانش، خط و خط و خط بود.... خط‌هایی که همه جهان می‌توانست آن را بخواند و آگاه شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس در پی درگذشت استاد کامبیز درم‌بخش، هنرمند کاریکاتوریست شیرازی صابر سهرابی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، با گرامی‌داشت یاد وی نوشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

باد پاییزی برگ‌ریز، بار دیگر، برگی سترگ را از درخت پربار همیشه سبز هنرهای تجسمی سرزمین‌مان با خود به دریای ماندگاری برد.

کامبیز درم‌بخش این هنرمند کاریکاتوریست بزرگ و برجسته شیرازی سال‌ها سخنانش را به جای نوشتن کتاب‌ها، کوتاه و زیبا، بر روی کاغذ می‌کشید؛ هنری که زبانش، خط و خط و خط بود.... خط‌هایی که همه جهان می‌توانست آن را بخواند و آگاه شود.

درم‌بخش از دروازه ماندگار گذشت تا برای همیشه ایران، مانا شود.

درگذشت این هنرمند برجسته هنرهای تجسمی و بویژه کاریکاتور را به خانواده، دوستان، دوست‌داران، هنرمندان، فرهیختگان و همه مردم ایران تسلیت می‌گویم و از خداوند بزرگ، آمرزش و آرامش ماندگارش را خواهانم.

صابر سهرابی
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس

گفتنی است، کامبیز درم بخش، زاده هشتم خرداد ۱۳۲۱ در شیراز بود که پانزدهم آبان ماه جاری در تهران درگذشت.

این طراح، کاریکاتوریست و گرافیست برنده چندین جایزه بزرگ معتبر جهانی بود که چندین نمایشگاه مستقل از آثارش در کشورهای مختلف جهان برگزار شد. وی دانش‌آموخته هنرستان هنرهای زیبای تهران و از پیشکسوتان هنر کاریکاتور ایرانی دارای سبک ویژه خود به شمار می‌رود.درم بخش از ۱۵ سالگی با نشریاتی چون توفیق، نیویورک تایمز، اشپیگل، نبل اشپالتر و... کارش را ادامه داد. وی افزون بر ۴۷ سال همکاری پیوسته با رسانه‌های ایران و جهان در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز کاریکاتور را تدریس کرد و کتاب‌های متعددی در زمینه تصویرسازی و کاریکاتور تاکنون از این هنرمند چاپ و منتشر شده است.

طنزهای تاریخ مصرف‌دار

ایسنا:شهرام شهیدی معتقد است طنزنویسان وارد لایه‌های عمیق شوخی نمی‌شوند و در سطح مانده‌اند و این موضوع باعث می‌شود محتوای طنزها تاریخ مصرف داشته باشد و طنزها ماندگار نشوند.

این‌طنزپرداز درباره ادبیات داستانی و رمان طنز اظهار کرد: ایرانی‌ها از قدیم بیشتر طرفدار شعر بودند تا نثر و داستان، البته در زمان قدیم اصلا ادبیات داستانی نداشتیم و ادیبان ما همه شاعرند، در دوره معاصر هم این اتفاق افتاده و اگر جست‌وجویی داشته باشید مردم بیشتر سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و احمد شاملو خوانده‌اند تا «کلیدر» محمود دولت‌آبادی یا آثار هوشنگ گلشیری را. ذائقه ایرانی بیشتر به سمت شعر گرایش دارد و وقتی مخاطب چنین ذائقه‌ای دارد، ناشر هم به آن سمت رفته و این می‌تواند یکی از دلایل توجه کمتر به ادبیات داستانی طنز باشد.

وی سپس گفت: دلیل دیگر به ضعف‌هایی که در شناخت مخاطب و خلق اثر طنز داستانی داریم برمی‌گردد؛ ما در ادبیات داستانی ضعف داریم و اگر طنز را ارزش‌افزوده‌ای بر ادبیات داستانی در نظر بگیریم، کار سخت‌تر هم می‌شود زیرا نوشتن طنز تخصص می‌خواهد. بیشتر کسانی که وارد ادبیات داستانی طنز شده‌اند، نویسندگان مطبوعاتی هستند، شاید آن‌ها مطبوعات‌نویس خوبی باشند اما لزوما نمی‌توانند داستان خوب طنز بنویسند.

قبلا این‌طور نبوده است، اگر ایرج پزشکزاد «دایی‌جان ناپلئون» را می‌نویسد تخصصش ادبیات داستانی بوده و با مطبوعات کاری نداشته و ستون‌نویس نبوده است یا دهخدا ستون‌نویس بوده و وارد ادبیات داستانی طنز نمی‌شود. این‌ها دو مقوله مختلف هستند و لزوما موفقیت در یکی به منزله پیشرفت و موفقیت در دیگری نیست و این شامل آموزش می‌شود و یک‌سری فعالیت‌ها را باید نجام دهند که به آن موفقیت برسند.

شهیدی افزود: اگر به فضای طنز دقیق‌تر بشویم فضاهای دیگری به کمک شعر طنز آمده است؛ مثلا در حوزه هنری «شب شعر طنز در حلقه زندان» برگزار می‌شد که به خاطر کوتاه بودن آن‌چه عرضه می‌شد، سلیقه مخاطب بود و خیلی پرشور برگزار می‌شد، این باعث می‌شد تا شاعر بیشتر دیده شود و کسی که شعر طنزی گفته بعدا بتواند وارد فضای دیگری شود و کتاب منتشر کند. اما در ادبیات داستانی طنز چنین قابلیتی وجود نداشته و توجهی به آن نبوده است البته امکان این‌که چنین فضایی هم باشد نبود که داستان‌نویسان جمع شوند و کارشان را بخوانند. ماهیت داستان طنز فرق می‌کند و شاید این کار اجرایی نباشد. این فضا به شاعران طنز کمک کرد اما داستان‌نویسان طنز مهجور مانده‌اند. شاید یکی دیگر از دلایل این باشد که کلا مردم ما در این سال‌ها کمتر کتابخوان شده‌اند و بیشتر به سمت تصویر رفته‌اند، دانلود نمایش و فیلم طنز چه به صورت قانونی و چه غیرقانونی برای ادبیات داستانی طنز قوز بالا قوز شده است.

وی با بیان این‌که طنز جدی گرفته نمی‌شود و این موضوع در نشر نمود دارد، توضیح داد: اگر بخواهید شعر یا داستان چاپ کنید، ناشران کسی را دارند که مسئول بخش شعر، داستان و ترجمه هستند که تمام آثاری را که به دست‌شان می‌رسد، می‌خوانند و نظر می‌دهند که چاپ شود و یا نشود اما کمتر ناشری پیدا می‌شود که متخصص طنز داشته باشد و ادبیات داستانی به وی ارجاع شود تا تشخیص دهد کتاب خوب است یا نه. ناشران ما چنین چیزی ندارند و همین باعث می‌شود که جدی گرفته نشوند.

کسی که مسئول خواندن کتاب‌های طنز است خود شناختی از طنز ندارد که بخواهد تشخیص بدهد، شاید اثر خوبی باشد اما رد شود زیرا شناخت ندارد و با دیدگاه خود کتاب را می‌سنجد و می‌گوید خوب نیست یا ممکن است کاری چاپ شود که کار ضعیفی است اما آن فرد مسئول معتقد باشد خوب است. چون متخصص طنز نیستند به طنز با دید تخصصی نگاه نمی‌شود.

این‌طنزنویس درباره وضع طنز در شبکه‌های اجتماعی هم اظهار کرد: مدیاها نه فقط در ایران بلکه در همه دنیا، بیشتر از این‌که طنز باشند، هزل و هجو هستند. این موضوع انکارناپذیر است، نمی‌گویم نباشد بلکه در جاهایی که ادبیات داستانی حریف نمی‌شود، منظورم در حوزه طنز، برای انتقاد نیاز به هزل و هجو داریم تا به خشم عمومی تبدیل نشود. در همه جا با این چیزها شوخی می‌شود و نمی‌شود نامش را طنز گذاشت. در توئیتر، اینستاگرام و یا هر فضای دیگری چون تعداد کاربران بیشتری جذب این اپلیکیشن‌ها و سایت‌ها شدند، طنز کمرنگ‌تر شد.

مخاطب بیشتر گرایشش به سمت عامه‌پسندی است و کسی که می‌نوشت کم‌کم به این سمت رفت تا دیده شود، لزوما چیز بدی نیست و اتفاقی لازم است، در همه دنیا هم هست و مشکلی ندارد اما مشکل آن‌جاست که این افراد را جدی می‌کنیم. یعنی کسی که فکاهه‌نویس و هزل‌نویس است و مخاطب زیادی دارد (خیلی خوب است که مخاطب دارد) وارد ادبیات داستانی شود. البته ناشر بعد اقتصادی ماجرا را می‌بیند و به جذب مخاطب فکر می‌کند و حساب می‌کند اگر فلانی ۲۰هزار فالوئر دارد، دوهزار نفر هم بخرند یا هزار نفر روز رونمایی مراجعه کنند، خوب است و اثر دیده می‌شود و فروش پیدا می‌کند اما این کمکی به ادبیات داستانی طنز نمی‌کند، زیرا از آن قوت برخوردار نیستند البته نمونه‌های خوب هم دارد، اما اکثر کسانی که از فکاهه‌نویسی وارد داستان طنز شده‌اند، افراد قوی‌ای نبوده‌اند. اگر مخاطب جدی دنبال ادبیات جدی طنز برود و این کتاب‌ها را پیدا کند، خب زده می‌شود و فکر می‌کند آن کتاب بازخوردی را که باید ندارد و باعث دلزدگی می‌شود و کمتر سراغ آن می‌روند.

وی درباره تاریخ مصرف‌دار بودند برخی از کتاب‌های طنز و ماندگار نبودن‌شان نیز توضیح داد: اگر به صورت دقیق دایی جان ناپلئون را کنکاش کنید، می‌بینید این اثر هم از نظر ادبیات داستانی و هم جذب مخاطب عام قوی است اما سایر آثار ما این‌گونه نیستند و یکی از دو شاخه را دارند؛ مثلا از نظر معیارهای داستان‌نویسی اثر قوی‌ای هستند اما نمی‌توانند مخاطب عام را جذب کنند یا برعکس؛ بیشتر هزل و هجو و شوخی دم‌دستی را سرهم و به کتاب تبدیل کرده‌اند و از نظر ادبیات داستانی ضعیف هستند. شاید مخاطب بپسندد و به چاپ پنج و شش هم برسد ولی قدرت ماندگاری در تاریخ ادبیات داستانی ایران را ندارد.

باید زمان بگذرد و نویسنده‌ای پیدا شود که مانند آثار پزشکزاد یا مشابه وی طوری بنویسد که دو جنبه را هم پوشش دهد.

البته صادق هدایت هم هست که ادبیات طنز ماندگار نوشته زیرا ادبیات داستانی را می‌شناخته و به حوزه طنز احاطه داشته است. شوخی‌ای ماندگار شده که هر دو شاخه را پوشش می‌دهد، اگر این‌طور نباشد تاریخ مصرف دارد بویژه شوخی‌هایی که این روزها به داستان تبدیل می‌شود، مثلا درباره فضای سیاسی اجتماعی ایران نوشته می‌شود اما در سطح و لایه‌های فوقانی مانده و عمق پیدا نکرده است.

دایی‌جان ناپلئون هم اتفاقات یک دوره خاص را می‌گوید اما شما خیلی از چیزها را می‌توانید لمس کنید زیرا شوخی‌ها عمق پیدا کرده و شامل تاریخ خاصی نمی‌شود، به شکل ظاهری حوادث در دهه ۳۰ و ۴۰ است اما محتوا تاریخ مصرف ندارد اما خیلی از آثار ما شکل ظاهری‌شان برای امروز است ولی عمیق نشده و محتوای‌شان تاریخ مصرف دارد و شامل شوخی‌هایی می‌شود که در آن دوره شنیده و به آن خندیده‌اید. تا زمانی که این دو بال را تقویت نکنیم، وضع کنونی اجتناب‌ناپذیر است.

دبیر انجمن شعر زنان شیراز:

زندگی کتابخوان‌ها را امن کنیم

مهر: دبیر انجمن شعر زنان شیراز با اشاره به راهکارهای کتابخوان شدن جامعه، گفت: بهترین راهکار این است که زندگی کتابخوان‌ها را امن کنیم تا آنها با مشکلات کمتری کتاب تهیه کنند.

پروانه نجاتی، دبیر انجمن شعر زنان شیراز و صاحب ۱۷ مجموعه شعر است که تازه‌ترین اثرش با نام «زنی با داغ و دغدغه» را که در اردیبهشت ماه سال جاری از سوی انتشارات صریر منتشر شد، به سردار حاج قاسم سلیمانی تقدیم کرده است.

این مجموعه شعر در واقع تجدید چاپ سه کتاب پرطرفدار این بانوی هنرمند است که تاکنون هفت رساله کارشناسی ارشد از محتوای این کتاب برای شناخت عمیق‌تر ادبیات دفاع مقدس در دانشگاه‌های کشور به رشته تحریر در آمده است.

کتاب شعر زنی با داغ و دغدغه در شمارگان یکهزار نسخه و ۳۶۶ صفحه قطع رقعی به بهای ۳۵ هزار تومان در کتابفروشی‌ها در دسترس علاقمندان قرار دارد و می‌تواند گزینه خوبی برای انتخاب اهالی شعر شیراز در هفته کتاب باشد.این شاعر که در سال ۱۳۷۳ انجمن شعر زنان شیراز را بنیان گذاشت و ۲۶ سال از عمر خویش را صرف تعلیم و تعلم نسل جوان و علاقمند به شعر کرده است در پاسخ به اینکه «برای علاقمند کردن مردم به کتاب چه باید کرد» توضیح داد: من فکر می‌کنم نیازی نیست برای کتابخوان کردن مردم کار خاصی بکنیم، بلکه بهترین راهکار این است که زندگی کتابخوان‌ها را امن کنیم.

وی ادامه داد: من مطمئن هستم کتاب‌ها هم ما را به خودشان دعوت می‌کنند، در دنیای انرژی این امکان دارد. به عنوان مثال یکی از طرفداران مهربانم کتاب «رؤیای نیمه شب» را که خودش دوست داشت، خرید و برای من پست کرد. من الان به خواندن این کتاب دعوت شدم و این روزها از خواندن آن لذت می برم.

وی با اشاره به هزینه‌های چاپ و نشر وقیمت تمام شده یک کتاب، تصریح کرد: فکر می‌کنم یکی از مهمترین وظایف مسئولین کم کردن هزینه‌ها وثبات بازار است. چه برای کتاب چه برای چیزهای دیگر. در این صورت حتی اگر کتاب نخوان ها کتابخوان نشوند، حداقل علاقمندان به کتاب می‌توانند با مشکلات کمتری به کتابخوانی بپردازند.

نجاتی شیرین‌ترین خبراخیر در حوزه کتاب را پیدا شدن یک کتابخانه قدیمی پر از کتاب‌های دست نویس از دوران مغول‌ها عنوان کرد و گفت: امیدوارم کتاب‌های به زبان فارسی هم در بین آنها باشد.

وی تلخ‌ترین خبر در حوزه کتاب را محدودیت برای ایجاد نمایشگاه‌های حضوری دانست و گفت: من کتاب را حتماً باید ورق بزنم. لمس کنم. قلم نویسنده را چک کنم و بعد بخرم. با خرید مجازی کتاب خیلی سخت ارتباط می‌گیرم. امیدوارم به زودی شاهد نمایشگاه‌های حضوری کتاب باشیم.

بیست و چهارم آبان ماه، آغاز هفته کتاب و کتابخوانی است. بدیهی است آشنایی با تازه‌ترین آثار هنرمندان شهر و استان و استفاده از تجربیات اهالی شعر و ادب فارس که زندگی شان پیوسته با کتاب گره خورده می‌تواند به غنای برنامه‌های هفته کتاب بیفزاید.

«انقلاب بردگان» منتشر شد

ایسنا:نمایشنامه «انقلاب بردگان» نوشته پوریا عبدی راهی بازار کتاب شد.

این نمایشنامه سه‌پرده‌ای در ۷۴ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان در انتشارات نظام‌الملک منتشر شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: نمایشنامه انقلاب بردگان یک تراژدی مبتنی بر موقعیت است؛ موقعیتی که رفته‌رفته بر تنش بین شخصیت‌هایش افزوده می‌شود و همین مساله همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

این موقعیت و تقابل بین شخصیت‌هاست که درام را پیش می‌برد و پیچیدگی شخصیت‌های نمایش را نمایان می‌کند. شخصیت‌هایی که جبر جغرافیایی و نژادی آن‌ها را در جایگاهی خاص قرار داده.

پوریا عبدی در معرفی این کتاب نوشته است: در فرم نگارشی انقلاب بردگان تلاش شده استفاده مینیمال از زبان، کلید اصلی نمایشنامه باشد. در همین خصوص از عبارت‌بندی موجز، انقطاع‌ها، مکث‌های مکرر، توقف‌های میان‌جمله‌ای، تکرار و شتاب ناگهانی در بیرون‌ریزی خصوصیات شخصیت، استفاده شده است. به همین جهت پیدا کردن و رعایت آن‌ها برای اجرای صحنه‌ای امری ضروری است.

یارمهربان

کتاب « عکاسی روشی برای مطالعات اجتماعی» منتشر شد

مهر: کتاب «عکاسی روشی برای مطالعات اجتماعی» نوشته «استن لانگمن و دیوید پیک» با ترجمه زهره صحت عکاس و نویسنده شیرازی روانه بازار نشر شد.این کتاب سومین اثر زهره صحت در زمین ترجمه عکاسی است. ترجمه کتاب عکاسی، روشی برای مطالعات اجتماعی در ۳۶۰ صفحه به روش‌های مختلف گنجاندن عکس به‌عنوان یک مؤلفهٔ اصلی در مطالعات علوم اجتماعی ارائه می‌دهد.نویسندگان کتاب (استین لانگمن ودیوید پیک) عکس را جز لاینفک تحقیقات علوم اجتماعی در نظر گرفته و از عکاسی تحقیقی به‌عنوان روشی برای پژوهش در جامعه بهره برده است. نویسندگان این کتاب به بیان روش‌های کارآمد برای انجام عکاسی تحقیقاتی، مزیت ومعایب روش‌های پیشنهادی پرداخته است.در بخشی از کتاب به چگونگی رعایت اصول اخلاقی استفاده از عکس در تحقیق اشاره شده و صفحاتی را به بیان موضوعات حقوقی و موانع قانونی استفاده از عکس در مطالعات اجتماعی اختصاص یافته تا بتواند مسیر روشنی را برای استفاده از این کتاب برای عکاسان و محققان علوم اجتماعی ارائه دهد. ویراستاری این کتاب را افشین لطفی، فروزنده دهقان و صفحه آرایی آن را کوروش شبگرد وطراحی جلد را نسیم برجیان انجام داده اند.قیمت این کتاب از سوی انتشاراتی ۱۱۰ هزارتومان درج شده که در کتابفروشی های سراسر کشور قابل دسترسی است.

«برایم بنویس» در بازار کتاب

برایم بنویس

ایسنا:رمان «برایم بنویس» نوشته دانیل گلاتائو با ترجمه سپیده اشرفی منتشر شد. این رمان از مجموعه «ای‌میل» که ترجمه‌ای است از کتاب «عشق مجازی» با طرح جلدی از معصومه میرزایی در ۲۳۰ صفحه و به بهای ۵۹ هزار تومان در انتشارات آرادمان عرضه شده است. در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: دانیل گلاتائور نویسنده و روزنامه‌نگار ۶۱ ساله اتریشی است که در وین به‌دنیا آمده و همان‌جا کار و زندگی می‌کند. آثار او که معمولا تم روانشناسی هم دارند، به بیش از ۴۰ زبان دنیا با بیش از سه میلیون تیراژ انتشار یافته‌اند.وی در این اثر نیز روایتی متفاوت و مدرن را از مفهوم عشق به دست می‌دهد. یک خانم مشترک یک مجله، ای‌میل‌هایی به مجله می‌دهد که اشتراک او را قطع کنند، چون معتقد است که سطح کیفی این مجله به‌شدت افت کرده است. او به‌صورت ناخواسته ای‌میل‌هایش را به یک مرد روانشناس پژوهشگر در حوزه بیان می‌فرستد. آقای روانشناس پس از مدتی، به خانم مشترک مجله ای‌میل می‌زند که اشتباهش را گوشزد کند. پس از مدتی و رد و بدل شدن نامه‌های الکترونیکی، عشقی در میان آنان شکل می‌گیرد. عشقی مداوم و داغ که درنهایت هم بدون دیدار، به یک سرنوشت عجیب منتهی می‌شود.

ترجمه

انتشار ترجمه جدیدی از یوکیو میشیما

دریانوردی که از چشم دریا افتاد

ایسنا: رمان «دریانوردی که از چشم دریا افتاد» نوشته یوکیو میشیما (نویسنده ژاپنی) با ترجمه مریم رضایی منتشر شد. این کتاب در ۱۶۸ صفحه و با قیمت ۴۵ هزار تومان توسط نشر سنگ منتشر شده است. در معرفی ناشر از رمان «دریانوردی که از چشم دریا افتاد» می‌خوانیم: «دریانوردی که از چشم دریا افتاد» مثل نویسنده‌اش ترکیب عجیبی است از جنبه‌های گوناگونی نظیر عشق، شاعرانگی، مرگ و خشونت. همراه با تحلیل‌ها و توصیف‌های زیبایی که خواننده را مسحور می‌کند.رمان به زندگی زن جوان و پسر نوجوانش می‌پردازد که در شهری بندری صاحب مغازه‌ای هستند و از فروش اجناس گران‌قیمت روزگار می‌گذرانند. زن با دریانوردی آشنا می‌شود و عشقی بین این دو درمی‌گیرد، اما پسر نوجوان او به نام «نوبورو» مسیر داستان را هول‌آور، جذاب و متفاوت می‌کند.«یوکیو میشیما» فقط ۴۵ سال زندگی کرد، اما یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم ژاپن محسوب می‌شود. او در عمر کوتاهش به عنوان شاعر، نویسنده، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان فعالیت کرد و در تمام این عرصه‌ها درخشید. در عرصه داستان‌نویسی، میشیما را بابت تحلیل‌های روان‌شناختی ماهرانه، با داستایوسکی و استاندال مقایسه می‌کنند.به جز این‌ها شیوه مرگ خاص میشیما نیز باعث شد در طول نیم قرن گذشته، بیشتر مورد توجه باشد. او سال ۱۹۶۷ در ۴۲ سالگی به نیروی زمینی ژاپن پیوست و سه سال بعد، همراه با چهار نفر دیگر از اعضای گروهی که خودش راه‌اندازی کرده بود، اقدام به کودتا کرد. اما این کودتا شکست خورد و میشیما به رسم ژاپنی‌ها هاراکیری (نوعی خودکشی آئینی) کرد.

مگره و خبرچین

رمان پلیسی« مگره و خبرچین» نوشته ژرژ سیمنون با ترجمه عباس آگاهی توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شد

ارکستر بادی تهران در روز کیش در فضای باز یک مجموعه تفریحی به اجرای زنده می‌پردازد

زندگی شخصی و هنری رضا رویگری، هنرمند پیشکسوت کشورمان در قالب سه بخش، مستند شد

نسخه تصویری نمایش «ملاقات کننده» با بازی شهاب حسینی برای نخستین بار در سامانه هاشور عرضه می‌شود